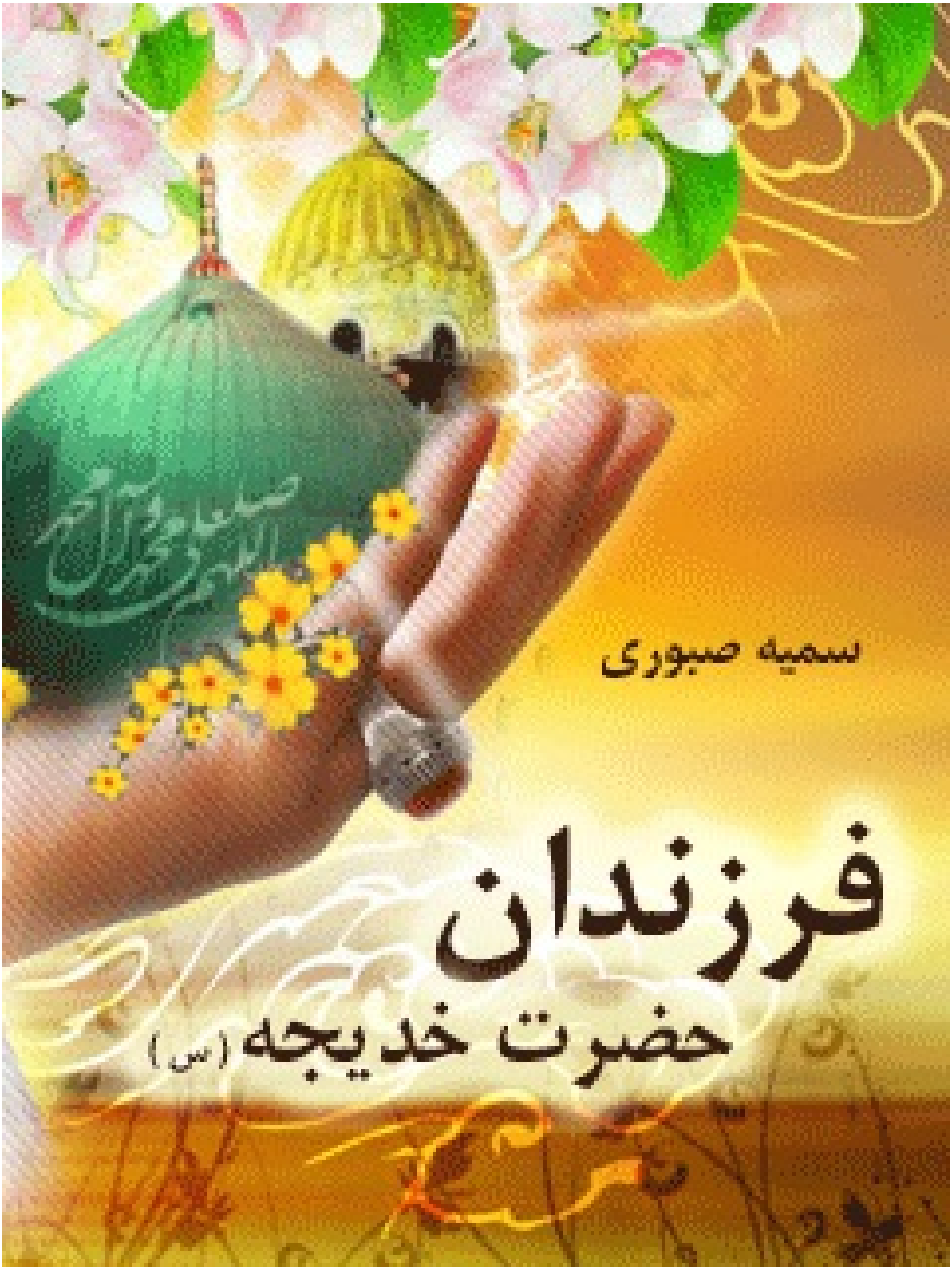

سمیه صبوری
فرزندان
حضرت خدیجه (س)

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزندان حضرت خدیجه (س)

نویسنده:

سمیه صبوری

ناشر چاپی:

سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرزندان حضرت خدیجه (س)

مشخصات کتاب

نویسنده: سمیه صبوری

ناشر : سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)

مقدمه

در سیرت رسول اللّه از رفیع الدین اسحاق همدانی میخوانیم". پس سیّد او را [خدیجه] به خانه برد و هفت فرزند از وی ظاهر شد سه پسر و چهار دختر. پسران قاسم و طاهر و طیب بودند. دختران، زینب و رقیّه و ام کلثوم و فاطمه. و پسرانش – هر سه – در ایام جاهلیت وفات یافتند و دخترانش همه اسلام را دریافتند و با سیّد به مدینه هجرت کردند. و سیّد فرزندان را همه از خدیجه بیاورد، الا ابراهیم که از ماریه ی قبطیه بیاورد و تا خدیجه زنده بود، سیّد هیچ زن دیگری نخواست.("۱)

برخی دیگر گفته اند حضرت خدیجه دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله داشته که عبدالله را با لقب طیب و طاهر می خوانند و دختران خدیجه را نیز رقیّه، زینب، ام کلثوم و فاطمه دانسته اند.

ابن هشام نیز همان نظر رفیع الدین اسحاق را تکرار میکند.(۲)

در جای دیگری نیز در حدیثی شیعی به نقل از رسول اللّه وی فرزندان خود را طاهر (عبداللّه)، قاسم، فاطمه، رقیّه، امّ کلثوم، و زینب نامیده است.(۳)

قول تقریباً بعیدی نیز از ابن عباس نقل شده که خدیجه را صاحب ده فرزند از حضرت محمد (ص) میداند (۴)،و برخی محدثان اهل تسنن فرزندان آن دو را بالغ بر دوازده نفر برشمرده اند (۵).

ملاحظه می شود که در مورد فرزندان پسر حضرت محمد(ص) اختلاف بسیار است اما تقریباً همگی متفق القولند که ایشان چهار فرزند دختر داشته است. هر چند نباید غافل شویم که برخی در انتساب دختران به جز فاطمه زهرا(س) به محمد(ص) و خدیجه(ع) تردید کرده اند و اّم کلثوم، زینب و رقیّه را فرزند خواندگان آنها نامیده اند.

البته این نظریه اخیر با نگاه به قرآن آنجا که در سوره احزاب پیرامون حجاب می فرماید:

"یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک"...؛

یعنی ؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت بگو "...کمی ضعیف بنظر می رسد.

لذا با نگاهی به متون نظر خود را این گونه اعلام می کنیم که تعداد دختران همان ۴ نفر میباشند و در مورد پسران هم از میان همه اقوال به نظریه ای که تعداد آنها دو نفر ذکر شده است بسنده می کنیم، زیرا شرط عقل این است که قدر متیقّن این تعداد را در نظر بگیریم.

نکته بعدی آنکه مورّخان میگویند پسران نبی یعنی قاسم که کنیه رسول اللّه نیز از نام او بود و عبداللّه ملقب به طاهر یا طیب در خردسالی و یکی پیش از بعثت و دیگری اندکی بعد از آن درگذشتند.

عمادزاده در کتاب زنان پیغمبر مینویسد: « قاسم در سن ۴ سالگی درگذشت و عبداللّه یک ماه پس از وی » (۶) و باز هم اینجا در مورد سن وفات آنها اختلاف فراوان است برخی میگویند هر دو در هفت سالگی وفات یافتند و برخی گفته اند قاسم دو ساله بود

که در گذشته است.

امّا روایت غم انگیزی از حضـرت محمد (ص) و خدیجه کبری نقل شده است که: « آن بانوی بزرگوار چند روز پس از وفات قاسم در خانه نشسته بود و می گریست.

چون پیامبر وارد شد علت این کار را پرسید و او گفته است: از سینه هایم شیر جاری شد و من به یاد فرزند کوچکم افتادم که اکنون گرسـنه و تنها در زیر خاک آرمیـده است. و نظیر این حدیث را در مورد عبدالله طاهر نقل کرده اند، که در هر دو مورد نبی خدیجه را بشارت می دهد که فرزندان کوچک تو به سان فرشـتگان در کنار در بهشت به انتظار ورودت به سر میبرند تا با دسـتان کوچک خود تو را به باغهای ارم رهنمون شوند.

این موضوع نشان می دهد هر دوی پسران نبی مکرم و خدیجه در سن کودکی و شیر خوارگی از دنیا رفته اند. دلیل دیگر اثبات این قضـیه نیز انتساب عنوان ابتر به محمـد (ص) از سوی کفار بود که چون پسـرانش زود از دنیا می رفتنـد این چنین او را مورد اسـتهزاء قرار می دادند .

به هر حال درگذشت این دو پسـر که می توانسـتند محمد را در پیشبرد دین خدا یاری بسـیار کنند برای این زوج نمونه بسـیار گران آمده بود. از تاریخ یعقوبی نقل شده است هنگامی که قاسم در چهارسالگی از دنیا رفت، نگاه پیامبر (ص) در کنار جنازه او به یکی از کوههای مکه افتاد و خطاب به آن فرمود: « ای کوه! آن چه به من در مورد مرگ قاسم وارد شـد، اگر بر تو می آمد متلاشـی می شدی » (۷)

اما دختران نبی مکرم (ص) به سن بلوغ و ازدواج رسیدند. شاید باقی ماندن دختران از میان فرزندان نبی حکمتی در مورد این مسئله دارد که عرب دختران را خفیف میشمردند و آنها را در سن خردسالی زنده در گور می نمودند.

این ننـگ را قرآن مجیـد این گونه نکوهش میکنـد که: «و اذا الموؤدهٔ سـئلت بـأی ذنب قتلت؛(۸) آنگاه که درباره ی دختران زنـده بگور پرسـش شود که به کدام گناه، کشـته شدند» لذا در چنین محیطی پیامبر دختران خود را بسـیار گرامی می داشت و خصوصاً به غنچه خوش بوی کوچـک خود فـاطمه زهرا، ام ابیهـا، (س) عنـایت خاصـی داشت و آن بانوی مکرمه را که در سـختی ها و شـدائد همراهش بود سرور زنان دو گیتی می نامید.

فرزندان دختر خدیجه از حضرت محمد(ص) عبارتند از:

زینب

ایشـان بزرگترین دختر پیـامبر اکرم (ص) و خـدیجه بود. خـدیجه زینب را به عقـد خواهرزادهٔ خود ابوالعاص بن ربیع در آورد که از آنها پسری به نام علی و دختری به نام امامه حاصل شـد. علی در سـنین پائین وفات یافت و اما امامه که از همسـر اول خود مغیرهٔ بن نوفل جدا شده بود پس از وفات زهرای مرضیه به وصیت خودش به عقد امیرالمؤمنین (ع) در آمد.

زینب هنگـام هجرت نبی مکرم اسـلام به مـدینه به همراه شوهرش ابوالعـاص در مکه بـاقی مانـد به هنگـام جنگ بـدر (در سال دوم هجرت) ابوالعاص از لشگریان دشمن بود که به همراه هفتاد نفر دیگر از مشرکین به اسارت نیروهای اسلام درآمد.

هنگامی که قرار شد اسـرا با پرداختن فدیه آزاد شوند زینب برای آزادی شوهرش گردنبندی که خدیجهٔ کبری (ع) در شب عروسـی به گردنش آویخته بود، به مـدینه فرسـتاد. ابوالعاص آن را بعنوان فـدیه به محضـر سـرور عالمیان آورد و چون نگاه نبی (ص) به آن گردنبنـد افتـاد بی اختیـار گریست و به یـاد همسـر فـداکارش خـدیجه افتاد و فرمود: «رحم الله خـدیجه، هـذه قلائـد هی جهزتها بها؛ خداوند خدیجه را رحمت کند، این گردنبندی است که خدیجه آن را برای زینب فراهم کرده است.»

پیامبر ابوالعاص را به شرط آن که زینب را آزاد بگذارد تا به مدینه بیاید، رها کرد و وی نیز به عهد خود وفا نمود و زیدبن حارثه به

مکه رفت و او را با خود به مدینه آورد سرانجام ابوالعاص قبل از فتح مکه مسلمان شد و به مدینه آمد تا با زینب ازدواج دوباره نماید. زینب در سال هشتم هجرت در مدینه از دنیا رفت.

ام کلثوم و رقیه

دومین و سومین دختر، ام کلثوم و رقیه بودند که زندگی سختی را پشت سر نهادند ام کلثوم و رقیه در ابتدا به درخواست ابی لهب و همسرش ام جمیل، هیزم کش آتش جهنم، به عقد عتیبه و عتبه فرزندان آنها در آمدند. این ازدواج با پا در میانی ابوطالب صورت گرفته بود، لذا خدیجه کبری علیرغم آن که از خوی بد ام جمیل و فرزندش آگاهی داشت به احترام عموی پیامبر سخن نگفت. تا جایی که پس از آشکار شدن دعوت به اسلام از سوی محمد (ص) عتیبه و عتبه که ام کلثوم و رقیه را در عقد خود داشتند آنها را به خانه پدر باز گرداندند تا مایه آبروریزی برای خانواده محمد (ص) شوند که البته ناکام ماندند.
دو دختر پیامبر به خانه پدر بازگشتند و پیامبر و خدیجه نیز با روی خوش از آنها استقبال کردند. پس از اندکی عثمان بن عفان به خواستگاری رقیه آمد و با او تزویج نمود. اما خلق خشن عثمان سبب شد آن بانو بر اثر شدت ضربات کتک جان به جان آفرین تسلیم کند. در مورد علت قتل وی از سوی عثمان گفته اند عثمان عموی خود مغیرهٔ بن ابی العاص که در جنگ احد دندان پیامبر را شکست و لب وی را شکافت و پیامبر او را مهدورالدم نامیده بود در خانه پنهان داشت. پیامبر چون از این امر اطلاع یافت علی (ع) را مأمور کرد تا آنجا رود و او را به قتل رساند. عثمان چون این را دریافت او را فراری داد و به همراه توشه و غذا از مدینه خارج کرد. در راه مرکبش هلاک شد و پیاده راه می پیمود تا جبرئیل به پیامبر گفت که دشمن خدا در فلان نقطه است برو و او را بکش که مولا ـ علی (ع) مأمور این کار شد. پس خبر هلاکت مغیره به عثمان رسید وی به خانه نزد رقیه آمد و او را متهم کرد که جای عمویش را به پیامبر اطلاع داده است. پس آنگاه آن چنان با چوب جهاز شتر او را پی در پی میزد تا نیمه جان افتاد و پیکرش را که به خانه ی نبی آوردند پس از سه روز از روح تهی شد. پیامبر عثمان را - که به خاطر این عمل منفور او گردیده بود - از شرکت در تشیع جنازه رقیه منع فرمود پس از رقیه ام کلثوم نیز به عقد عثمان بن عفان در آمد و باز هم به سبب خشونت وی جان سپرد.

فاطمه زهرا سلام الله علیها

اگر چه سخن گفتن در مورد این بانوی مکرم در اندازه و گنجایش این مقاله نیست و در مورد او همچون مادر بزرگوارش میتوان صفحات زیادی مطلب نوشت اما به لحاظ حفظ روند اصلی نوشتار، ذکری مختصر به میان خواهد آمد.
«انا اعطیناک الکوثر...»
فاطمه کوچکترین فرزند خدیجه و محمد بود. در مورد وی احادیث، روایات و آیات فراوانی نقل شده. پیامبر میفرماید: «فاطمهٔ حوراء انسیه؛ فاذا اشتقت الی الجنهٔ شممت رائحهٔ فاطمهٔ علیها السلام؛ پس فاطمه بانوی بهشتی است که به صورت انسان روی زمین در آمد، هرگاه مشتاق بهشت می گردم بوی خوش وجود فاطمه را می بویم»(۹)
باز هم حدیثی نقل شده که از نبی پرسیدند چرا میزان علاقه اش به فاطمه بیش از سایر فرزندانش است، حضرت فرمود: «هنگامی که من در شب معراج به آسمانها سیر داده شدم، جبرئیل مرا در کنار درخت طوبی برد، میوه ای از میوه های آن درخت را چید و به من داد، آن را خوردم، سپس دستش را بر میان دو شانه ام کشید، آنگاه فرمود: «ای محمد! خداوند متعال ولادت فاطمه (ع) از خدیجه (ع) را به تو مژده میدهد»(۱۰)
از این حدیث و قریب آن از لحاظ مفهوم در کلام محدثان و راویان بسیار نقل شده است. لذا آن وجود مبارکه انسانی ممتاز و در میان زنان عصر خود سرآمد بود. نیز روایت شده قبل از حمل یافتن فاطمه (س) در بطن خدیجه کبری، محمد (ص) چهل روز از

وی کناره گرفت و به تنهائی به عبادت و راز و نیاز مشغول گشت. فاطمه در ۹ سالگی به ازدواج پسر عمویش علی بن ابیطالب (ع) در آمد پس از ۹ سال حیات پربرکت و به دنیا آوردن فرزندانی که هر کدام بخشی از تاریخ بشریت به شمار می آیند درگذشت.

پی نوشت ها

۱ـ سیره رسول الله، رفیع الدین اسحق همدانی، ویراستهٔ مدرسی صادق، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۹۰

۲ـ سیرهٔ ابن حشام، ج ۱، ص ۲۰۲

۳ـ حصال شیخ صدوق صص ۳۷ و ۳۸، به نقل از خدیجه اسطورهٔ مقاومت صص ۲۳۸،۲۳۹

۴ـ مختصر تاریخ دمشق ج ۲، ص ۲۶۳

۵ـ خدیجه اسطورهٔ مقاومت ص ۲۴۴

۶ـ زنان پیغمبر ص ۳۱۲

۷ـ تاریخ یعقوبی ج ۲، ص ۳۲

۸ـ سورهٔ تکویر. آیهٔ ۸

۹ـ نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۱۹

۱۰ـ بحارالنوار، ج ۴۳ صص ۲ تا ۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».